



تأثیر هنری و فرهنگی سفدیها

بر ساکنان جاده ابریشم

دانشگاههای هاروارد، برکلی، یوتا و میشیگان آمریکا به تدریس و تحقیق مشغول بوده و نیز به عنوان عضو پژوهشگر بنیاد فرهنگ ایران، منشاء خدمات علمی بزرگی گردید.

وی پس از اخذ درجه لیسانس در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران و استفاده از محضر اساتید برجسته‌ای چون استادان ابراهیم پورداود، بدیع الزمان فروزانفر، محمد معین، جلال‌الدین همایی، پرویز نائل‌خانلری، احسان یارشاطر، صادق کیا و ... در سال ۱۳۳۷ به دانشگاه پنسیلوانیا امریکا رفت و در سال ۱۳۴۰ موفق به دریافت فوق لیسانس در رشته شرق‌شناسی و فرهنگ و زبانهای ایرانی شد. سپس با استفاده از بورس دانشجویان ممتاز به دانشگاه برکلی در کالیفرنیا رفت و بارها تئمی پرفسور هینگ استاد مشهور زبان‌شناسی به تحقیق و مطالعه در زبان سفدی پرداخت و مجدداً به دانشگاه پنسیلوانیا بازگشته و رساله دکتری خود را در زمینه «تحلیل ساختاری فعل در زبان سفدی، تکمیل کرد و موفق به دریافت درجه دکتری از دانشگاه پنسیلوانیا شد. پس از آن به مدت یک سال در دانشگاه یوتا، شش ماه دانشگاه هاروارد و مدتی در دانشگاه میشیگان به تدریس و پژوهش پرداخت.

دکتر بدرالزمان قریب در سال ۱۳۴۴ به ایران بازگشت و در دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز به تدریس

تحقیق و تأمل در زبانهای باستانی، کشف اسرار و مفاهیم منون و کتیبه‌های زیبای کهن، راه یافتن به تعبیر و رمز و رازهای اسناد گذشته و رسیدن به انگیزه‌ها و علل تحول و پیشرفت و گسترش فرهنگ و زبان و هنر و آیین اقوام مختلف گذشته ریشه در دانشی والا، عشقی خستگی‌ناپذیر، صبری دراز و ذهنی پویا و توانمند دارد.

دکتر بدرالزمان قریب استاد فرهنگ زبانهای باستانی ایران یکی از نوادر روزگار ما در علم زبان‌شناسی است. او به شش زبان باستانی تسلط کامل داشته و در دوره دکتری و فوق‌لیسانس زبان‌شناسی رشته فرهنگ و زبانهای باستان دانشگاه تهران، آنها را تدریس می‌نماید. از جمله آنها فارسی باستان، اوستایی، فارسی میانه، پهلوی اشکانی، سفدی، سکایی و سانسکریت است.

از دکتر قریب تحقیقات، تألیفات و مقالات متعددی به زبانهای فارسی، انگلیسی و فرانسه در دایرةالمعارفهای بزرگ مشهور جهان و مجلات علمی و تخصصی دنیا به چاپ رسیده است.

برجسته‌ترین و ارزشمندترین اثر ایشان «فرهنگ سفدی» نام دارد که به دو زبان فارسی و انگلیسی نوشته شده و بزودی انتشار می‌یابد. این اثر به یاد ماندنی بیش از ۱۵ سال از وقت این محقق و دانشمند گرانمایه را به خود اختصاص داده و برای اهل علم و نظر بسیار عزیز و مغتنم است. دکتر بدرالزمان قریب مدتی از عمر پربار خود را در

پرداخت. در سال ۱۳۵۰ به دانشکده ادبیات و علوم
سانی دانشگاه تهران آمد و از آن زمان تاکنون در گروه
آموزشی فرهنگ و زبانهای باستانی دانشکده ادبیات
مشغول تدریس است. وی در دورهٔ دکترای زبان و متون
سغدی شامل متون بودایی، مانوی و مسیحی را تدریس
می‌کند و در دورهٔ فوق لیسانس، فارسی میانه، متون
مانوی، فارسی باستان و سغدی درس می‌دهد.

از خانم دکتر قریب تقاضا می‌کنیم تا در مورد زبان
سغدی و تأثیر آن در هنر و فرهنگ و باورهای سرزمینهای
همسایه و همجوار توضیح بدهد و ایشان موضوع این
صحبت را «سغدیان و راه ابریشم» انتخاب می‌کند و
گفتگویی خود را در این زمینه دنبال می‌کنیم.

دکتر قریب در مورد ریشهٔ زبان سغدی می‌گوید:
زبان سغدی از شاخه زبانهای ایرانی میانهٔ شرقی است که از
قرن اول تا سیزدهم میلادی جزو زبانهای زنده بود و در
محدودهٔ جغرافیایی عظیمی از دریای سیاه تا چین و از
شمال شبه قارهٔ هند تا نواحی اورال، مردمان ایرانی تبار به
زبانهای ایرانی میانهٔ شرقی تکلم می‌کردند.

یکی از مهمترین این زبانها از نظر تنوع و حجم
ادبیات باقی مانده، زبان سغدی است چون از نقطه نظر
جغرافیایی و زبان‌شناسی با زبانهای هم‌ریشه یعنی سکایی،
خنتی، خوارزمی و بلخی که همگی دارای آثار مکتوب
هستند، قرابت و نزدیکی دارد. تا اوایل قرن بیستم،
اطلاعات ما از زبان سغدی اندک بود، اگر چه منابع ایرانی
(اوستایی، هخامنشی و ساسانی) و همچنین مآخذ یونانی و
بویژه چینی و اسلامی از سرزمین سغد سخن رانده‌اند ولی
آگاهی ما از زبان سغدی به صورت آثار مکتوب و ادبیات
ناچیز بود.

آثار مکتوب زبان سغدی بنا پژوهشهای
باستان‌شناسی در اختیار مردم روزگار قرار گرفت. این آثار
در ناحیهٔ تورفان ایالت سین‌کیانگ چین به صورت متون
سغدی مانوی و مسیحی، در یکی از غارهای هزار بودای
نون هوانگ در ایالت کانسو (متون سغدی بودایی)، در
ویرانهٔ یکی از برجهای دیده‌بانی دیوار بزرگ چین

دکتر قریب در همین زمینه افزود: شنای سوزان
ترکستان چین، کتابخانهٔ نه قرن پنهان شدهٔ غار هزار بودا،
زیاله‌هایی در ویرانهٔ یکی از دورافتاده‌ترین برجهای دیوار
چین و سبلی جرمی بر فراز کوه مغ، گنجینهٔ ادبیات سغدی
را بیش از یک هزاره در سینهٔ خود به امانت نگهداشتند و
راز قوم شهرنشین، بازرگانان ساعی و زبردست، دوستاناران
فرهنگ و هنر و مبلغین پرکار دین و دانش سغد را در
مقابل چشمهای کنجکاو دانشمندان و پژوهشگران قرن
بیستم گشودند. علاوه بر این مدارک که پس از کشف،
راهی کتابخانه‌ها و موزه‌های بزرگ چهار شهر اروپا
(پاریس، لندن، برلین و لتینگراد) شد، باید از کتیبه‌های
مکشوفه در مغولستان، دیوار نوشته‌های شهر قدیمی
افراسیاب نزدیک سمرقند در ازبکستان امروزی و
سنگ‌نوشته‌های نویافتهٔ درهٔ چیترال واقع در شمال
پاکستان، یادکرد تا دامنهٔ گسترش فعالیت مدنی و فرهنگی
این قوم کهن ایرانی و نقش آن در اشاعه و انتقال فرهنگ،
هنر و کالا، به ویژه نگهداشتن ثبات جادهٔ ابریشم در مسیر
شرقی آن را نشان دهد.

دکتر قریب سپس علاوه کرد: مدارک سغدی همراه
با دیگر یافته‌های باستان‌شناسی و داده‌های تاریخی نشان
می‌دهد که قوم سغد حدود هزارهٔ دوم پیش از میلاد در
نواحی سمرقند و درهٔ زرافشان ساکن بود و در هزارهٔ اول
پ. م به سمت بزرگی از جلگه‌های میان دو رود جیحون
و سیحون دست یافت و از قرن ششم تا چهارم پیش از
میلاد تابع امپراطوری هخامنشی با فروپاشی شاهنشاهی
هخامنشی بود و با هجوم لشکریان اسکندر و غارت شهر
سمرقند، تعداد زیادی از افراد این قوم به سوی شرق و
مرزهای چین مهاجرت کردند و در مسیر جادهٔ ابریشم
حوزه‌های مهاجرنشین را تشکیل دادند.

آنهاهی که در زادگاه خود ماندند با فرهنگ یونانی
آمیخته شدند و به هنر و فرهنگ خود غنا بخشیدند و

بویچی)ها حوالی سال ۱۳۰ پیش از میلاد یک ژنرال چینی از طرف امپراتور چین به ماوراءالنهر سفر کرد و اطلاعات گرانقدری از فرهنگ مردم این سرزمین را به کشور خود ارمغان برد. چین برای دستیابی به اسبهای اصیل سغدی چشده هیأت سیاسی فرستاد و حتی دست به لشکرکشی زد. سفر ژنرال چینی و وقایع بعدی، افقهای دوردست غرب را برای چینیان گشود و چین خریداران جدیدی برای کالاهای خویش یافت. این واقعه به رونق جاده ابریشم کمک کرد و نخستین کاروان چین حدود ۱۰۶ پدم به سرحدات خراسان رسید.

دکتر قریب در همین زمینه اضافه کرد: سفیرانی که در دوره «هان» از آسیای مرکزی به چین رفتند، بازرگانان سغدی بودند که برای تقدیم هدایای خویش و جستجوی بازاری برای کالای غرب به دربار امپراتور چین گسیل شدند. ضمناً می توان به یقین گفت که همزمان با استقرار روابط سیاسی چین با دولتهای مرز غربی، دو جریان اقتصادی - فرهنگی از شرق به غرب و همچنین از غرب به شرق تأثیر متقابل در همدیگر گذاشت. از شرق ابریشم چینی به سوی غرب می رفت و از غرب دین بودایی و هنر ایرانی - یونانی که با رواج دین بودا رنگ هندی هم گرفته بود به چین راه می یافت. البته این را هم نباید فراموش کنیم که مهاجرنشینان سغدی در طول راه ابریشم محرک و محافظ عمده این دو جریان بودند. از همین راه تجاری بود که دستاوردهای هنر ایرانی مثل فرش، انواع منسوجات و نیز سنگهای قیمتی، عطریات و محصولات کشاورزی ایران و شبه قاره هند به چین می رسید و ابریشم چین که در ایران به صورت پارچه های زربفت بود دوباره در قالب کالای مورد علاقه درباریان به چین بازمی گشت.

خانم دکتر قریب سپس به توضیح نخستین اسناد و مدارک در مورد مراجع سغدی پرداخت و گفت: نخستین مدرک تاریخی که از مراجع سغدی داریم، اسناد نوشته شده بر کاغذ است که «نامه های باستانی سغدی» نامیده شده اند و تاریخشان بین نیمه دوم قرن دوم

تا نیمه اول قرن چهارم میلادی تخمین زده شده است. این نامه ها که هرگز به مقصد نرسیدند، ظاهراً از چین به سمرقند فرستاده شده بود و در لابلاهای درد دل های خانوادگی، حوادث تاریخی و شرح سرگردانی بازرگانان سغدی را در دوران بسیار دشواری از تاریخ چین بیان می کنند.

از متن این نامه ها می توان فهمید که در دو شهر مرزی «تون هوانگ» و «کو تسانگ» مهاجرنشینانی وجود داشته و نمایندگان بازرگانی آنها در شهرهای مرکزی چین مثل شانگان و لویانگ از یک طرف و سمرقند از طرف دیگر فعالیت داشتند، به نظر می آید که در سال ۳۶۶ میلادی که ساختمان غارهای هزار بودا در «تون هوانگ» آغاز شد تعداد زیادی سغدی بودایی مذهب در آنجا می زیستند. در میان معابد و پرستشگاه های این غارها تعداد قابل ملاحظه ای از دست نوشته های سغدی و خنی بودایی پیدا شد. این دست نوشته ها در کتابخانه ای که مدت نه قرن با دیوار نازکی از غار اصلی مجزا شده و از دستبرد حوادث برکنار مانده بود، حفظ می شد.

دکتر بدرالزمان قریب پس از آن به اهمیت و نقش منطقه «تورfan» در تجارت و فرهنگ جاده ابریشم اشاره کرد و گفت: بعد از «تون هوانگ» ناحیه ای که از نظر مدارک مکتوب سغدی شایان اهمیت است، منطقه تورfan است که اوایل قرن حاضر میلادی بدینبار کشف آثار باستانی توسط یک هیأت آلمانی، ناحیه ای صاحب نام در مطالعات ایران شناسی شد. «تورfan» از مراکز مهم تجاری و فرهنگی در مسیر جاده ابریشم بود و مدتی هم پایتخت جنوبی ترکان اویغوری و یکی از مراکز بزرگ فعالیت مانوی بود. مانوی ها زیباترین دیوارنگاره های خود را در شهر خوچو «کوچانگ» چینی که در متون سغدی «چینانچ کنت» (شهر چینی) نامیده می شود ترسیم کرده اند.

در این شهر تا قرن دهم میلادی آثار بودایی، مانوی، زردشتی و مسیحی وجود داشته است. بیشتر متون مسیحی و مانوی و سغدی در ویرانه های شهرهای اطراف تورfan کشف شد.

در خرابه های معدی فراخ با چشم اندازی زیبا،

بسیاری از برکهای مذهب و پرنگار متون مانوی، زمین را
قرش می‌کرد و این گنجینه‌های گرانبها در زیر خاک و غبار
می‌پوسید.

تنوع مدارک باز یافته از کشور چین، پرده از راز
تلاشهای خستگی‌ناپذیر مهاجران سغدی در تبلیغ دین و
سته‌های آئینی و هنری که به آن دل بسته بودند برمی‌گردد.
سغدی‌ان با ترجمه متون بودایی، مانوی و مسیحی به غنای
زبان خود افزودند و همزمان این ادیان را در میان دیگر
اقوام آسیای میانه و چین گسترش دادند.

وی در ادامه همین بحث به مهاجرت جدید
سغدی‌ان و تأثیر هنر و فرهنگ آنها بر ترکان آسیای مرکزی
پرداخت و اظهار داشت: از قرائن تاریخی می‌توان فرض
کرد که سغدی‌ان اقدام به مهاجرت جدیدی کرده باشند و
علت آن شاید سیاست ساسانیان در نیمه دوم قرن سوم
میلادی بوده است. تأثیر عمیق هنر ساسانی در آثار تورفان
مخصوصاً در نقاشیهای مانویان مشهود است. سبک
معماری و دیوارنگاری شهر «خوجو» نیز این نظر را تأیید
می‌کند. از جمله اقوامی که سغدی‌ان توانستند بر دین، هنر و
خط و فرهنگ آنها تأثیر بگذارند، ترکان آسیای مرکزی
بودند که تحت تأثیر مبلغین سغدی، اول به دین بودایی و
بعد مانوی در آمدند؛ تا جایی که دین مانی، دین رسمی
ترکان اویغوری و خط سغدی خط رایج آنها شد.

دکتر قریب پس از آن به تلاش سغدی‌ان در مورد
حفظ امنیت جاده ابریشم اشاره کرد و گفت: در مراکز
بزرگ تجاری دولت‌شهرهای سغدی، سیاست اعتدال و
آزادی دینی چنان رعایت می‌شد که پیروان آئین‌های
بودایی، مسیحی، نسطوری، مانوی و زردشتی می‌توانستند
آزادانه تبلیغ کنند و پرستشگاههای خود را بر پا سازند و یا
هم در صلح و صفا زندگی نمایند. شاید علاقه سغدی‌ان به
بازرگانی آزاد و تلاش آنها برای نگهداشتن ثبات و امنیت
جاده ابریشم، دل‌بستگی آنها را به سازش و انعطاف دینی
توجیه کند. باید یادآوری کنم که سغدی‌ان مردمان عامی و
ناآگاه از جریان‌های علمی و ادبی زمان خود نبودند و یک
جهانگرد مشهور چینی گفته است که عموم آنها با القابیی

که ۲۲ حرف داشته آشنا بوده و آن را می‌خواندند. در
متون چینی نام چند ستاره به زبان سغدی است، ضمناً
داستانهای جالبی که در متون سغدی وجود دارد، نمودار
تلاش آنها در آمیختن فرهنگ مردم آسیای میانه با
فرهنگ ایرانی، یونانی، هندی و سریانی است.

از خانم دکتر بدرالزمان قریب به خاطر فرصتی که
در اختیار ما قرار دادند و مطالب جالب و مستدلی که
در باره سغدی‌ها و تأثیر فرهنگ و هنر و آئین آنها بر جاده
ابریشم ارائه دادند، تاگوشه‌ای از تاریخ دنیای باستان باز و
موشکافی شود، سپاسگزاریم.

امید آن داریم که در آینده نیز از دانش و آگاهیهای
ایشان در مورد زبانهای باستان و تاریخ و فرهنگ اقوام
پیشین بهره‌مند شویم و باب این همکاریهای علمی همیشه
گشاده باشد.

گفتگو با: فاطمه کربسی



کاوش در جزیره هرمز

فاطمه کربسی باستان‌شناس و پژوهشگر سازمان میراث
فرهنگی کشور و سرپرست هیأت حفاری جزیره هرمز، که
بیشترین اتدوخته علمی او به باستان‌شناسی دوره‌های اسلامی
ایران و سفالینه‌های اسلامی مربوط می‌شود.